

هندوستان، سرزمین اساطیر، افسانه و رقص

گلناز گل صباحی



۷۴

صورت ابراز احساسات آدمی، ظاهر می شده است.

در کتاب‌های قدیمی سانسکریت، کم و بیش مطالب مشابهی از پیدایش رقص ذکر شده است. بنا به مندرجات یکی از این کتب به نام آبهینایا دارپانا (Abyinaya Darpana) در ابتدا، «برهما» رقص ناتیا ودا (Natya Veda) را به محبوب خود بهاراتا (Bharata) هدیه کرد، سپس بهاراتا با دسته گاندهاروا (Gandharva) و آپسارا (Apsara)، رقص ناتیا (Natya) و نرتیا (Nritya) را در پیشگاه شیوا اجرا نمود. شیوا نیز به وسیله‌ی ملازمین خویش، وسایل تعلیم بهاراتا را در این هنر فراهم آورد و به سبب عشقی

در عرصه کشور پهناور هندوستان و در سایه فرهنگ‌های گوناگون و بی شماری که در این کشور وجود دارند، بسیاری از شیوه‌ها و مکاتب رقص هندی، با تکیه بر فرهنگ اساطیری پدید آمدند. به درستی مشخص نیست که از چه زمانی، رقص هندی جنبه‌ی هنری یافت، اما با توجه به تمدن بسیار قدیمی این کشور و با توجه به وجود کتاب مذهبی «ریگ ودا» در بیش از ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد، و با توجه به این که در کتب دینی هندوستان، از آلات موسیقی چون مریدنگا (Mridanga)، وینا (Vina)، بانسی (Bansi)، و دمرو (Damru) و رقص صحبت شده، می توان حدس زد که در دوره‌ی ریگ ودا، رقص، جنبه‌ی هنری نداشته و به

که به او داشت، توسط پرواتی (Parvati)، رقص لاسیا (Lasya) را به وی آموخت. پرواتی رقص را به اوسا (Usa)، دختر بانا (Bana) تعلیم داد و او نیز آن را به زنان شیرفروش دواریکا (Duarika) یاد داد و آنان هم این هنر را به زنان ساوراسترا (Saurashtra) آموختند که ایشان نیز به نوبه خود آن را به زنان ممالک دیگر تعلیم دادند و به این ترتیب هنر رقص به دیگران رسید و در دنیا پابرجا ماند.

تقسیم بندی رقص ها به طور کلی در هند امروز عبارتند از: ۱- رقص های مذهبی که معمولاً در معابد



هندویان اجرامی شود ۲- رقص های ملی و بومی که در شهرها و دهات معمول است ۳- رقص های مدرن و باله که مخلوطی از رقص های بومی و باله مدرن است. هنرمندان این رشته در هندوستان، با مهارت و نرمش عجیبی بر کار خود مسلطند و انعطاف پذیری آنان به قدری قوی است که نمونه ها و نظایر آن در سایر هنرمندان این هنر در کشورهای دیگر، بسیار کم است. هر حرکت کوچک حتی حرکات انگشتان در رقص هندی، مفهومی خاص دارد. درحقیقت این هنر علاوه بر حرکات، دارای بیانی است و هر رقص داستانی دارد که با تاریخ، افسانه های اساطیری، سنن، آداب، رسوم و عقاید مذهبی و ملی آمیخته است.

در بسیاری از کشورهای شرقی و جنوب شرقی آسیا، این هنر، ملهم از رقص هندی می باشد و این تأثیر بر رقص های ویتنام، سیام و هندوچین و همچنین اندونزی، کاملاً بارز و آشکار است.

در میان شیوه های متعدد رقص های هندوستان، چهار نوع رقص اصلی وجود دارد که با عنوان

مخاتب اصیل رقص در این کشور برشمرده می شوند. این چهار نوع رقص اصلی عبارتند از: «بهاراتا ناتیام» (Bharata Natyam)، «کاتاکالی» (Katakali)، «کاتاک» (Katak) و «مانی پوری» (Manipuri).

بهاراتا ناتیام:

بی شک هر یک از این شیوه های رقص، علامات و اختصاصاتی مخصوص به خود دارد. در میان این شیوه ها «بهاراتا ناتیام» از همه قدیمی تر و پرسابقه تر بوده است، به طوری که از سایر رقص ها، پیشرفت بیشتری کرده و معروف ترین رقص عامیانه هندی به شمار می رود. از اختصاصات مهم این هنر می توان گفت که یکی از قسمت های تغییرناپذیر مراسم دعا در معبد بوده است. مبانی این رقص که همبستگی کاملی با امور تشریفات مذهبی دارد، بیش از سایر رقص ها حفظ

- رقص هندی از امتزاج

حرکت، آواز و موسیقی به وجود

می آید و درحقیقت جزو جدانشدنی

زندگی هر هندی است

شده و درحقیقت این نوع رقص، یکی از اصیل ترین رقص های ملی و تشریفاتی هندوستان به شمار می رود که به واسطه تقدس آن، رموز و مختصاتش، سینه به سینه، نقل شده و به امروزیان رسیده است. مدت اجرای این رقص چندان طولانی نیست، اما گاه اتفاق می افتد که چهار ساعت به درازا می کشد و در این میان، هنرمند بی هیچ استراحتی به عرضه هنر خویش می پردازد. رقصیدن، در چنین زمان طولانی، قدرت بدنی و آمادگی خارق العاده ای لازم دارد که خاص رقصندگان مذهبی هند است. بهاراتا ناتیام معمولاً با سنج، تمبور و مریدانگام اجرامی شود.

کاتاکالی:

دومین نوع رقص های مشهور هندی، کاتاکالی است. این رقص که درواقع هنر بیان داستان های مختلف، روایت اساطیر و غیره می باشد، دارای حرکات فراوان و متنوعی است که هر یک نشانه هایی از شادی، عشق، امید، موفقیت، ناکامی، رنج، وصال و سایر احساسات و عواطف انسانی را در

خود دارد.

در حقیقت کاتا کالی را می توان با باله در غرب

- موضوعات کاتا کالی معمولاً سلسله

داستان های اساطیری هستند که

زندگی خدایان، اربابان، شیاطین و

یا پیشوایان روحانی را بیان می کنند

مقایسه نمود. موضوعاتی که برای رقص های کاتا کالی انتخاب می شوند، تقریباً سلسله داستان هایی اساطیری به شمار می روند که زندگی خدایان، اربابان، انواع شیاطین، ارواح خبیثه یا پیشوایان روحانی و قهرمانان ملت را نمایانگر می سازد. گریم و لباس در این رقص، بیش از سایر رقص ها اهمیت دارد و جنبه سمبلیک و فانتزی خود را از دست نداده است. برنامه رقص با آواز جمعی آغاز می شود که کلمات آن به زبان سانسکریت و گاهی مخلوط با زبان مالایالام (Malayalam) و سانسکریت است. سپس سازها، شروع به نواختن می کنند. رقص به همراهی آواز جمعی و موسیقی ظاهر می شود. طبل های بزرگ و کوچک و سازی به نام وینا (Vina) و نی و برخی دیگر از سازها، معمولاً رقصندگان را همراهی می کنند. در این نوع رقص هندی، تفسیر کلمات آواز خوانندگان و نغمه های ارکستر، بر عهده رقصندگان است که با حرکات و ژست های خود، آن را به تماشاگران القا می نمایند. ماسک و نقاب از لوازم اصلی هنر پیشگان و رقصان به شمار می رود، زیرا قهرمانان این هنر، غالباً نقش افراد مافوق بشر و یا هیأت های عجیب افسانه ای و روایات را ایفا می کنند. این نوع رقص را می توان مخلوطی از سه هنر نمایش، رقص و موسیقی دانست. در این شیوه از رقص هندی، زنان وظیفه ای ندارند و نقش های مربوط به آنان را، پسران ایفا می کنند (البته در این دوره توجهی به این رسم کهن نمی شود). شاید بتوان تفاوت رقص کاتا کالی و بهاراتا ناتیم را در حرکات و ژست های آن جست و جو نمود. رقص کاتا کالی جنبه ی مردانه ای دارد، در صورتی که حرکات رقص بهاراتا ناتیم دارای ظرافت زنانه است و در آن نیز خشونت و گستاخی که در رقص کاتا کالی دیده می شود، وجود ندارد.

کاتا کالی:

از دیگر انواع جالب رقص های هندی، رقص

کاتا کالی است که در واقع یادگار دوران آمیخته با شکوه و جلال مغول ها به شمار می رود. تم این رقص ها معمولاً از افسانه ها، سرچشمه می گیرد، ولی در طول زمان تحولاتی در آن راه یافته و آن را آمیخته با رقص های محلی و روستایی هندوستان نموده است.

در این نوع رقص، زر و زیور، گل و دکور به فراوانی مورد استفاده قرار می گیرد، چنان که می توان، همین جنبه را وجه تمایز بین این نوع رقص و شیوه های دیگر این هنر در هندوستان دانست. در رقص کاتا کالی،



حرکات، ژست ها و تحرکات بدنی بسیار سریع و ظریف، صورت می پذیرند و قدرت شادی انگیزی رقصندگان بر جنبه تکنیکی آن برتری دارد. در واقع، مهم ترین دلیل این امر تعلق این هنر به طبقه روستایی و فرهنگ محلی است که باعث می شود بسیاری از ریزه کاری ها در آن مورد توجه قرار نگیرد، بلکه کلیات و حالات عمومی رقص و خصوصاً جنبه طرب انگیز آن مورد توجه واقع شود.

مانیپوری:

مانیپور در واقع یکی از استان های هند به شمار می رود. این استان یکی از مراکز مهم نوعی دیگر از رقص هندی است. در میان مردم آن دیار، رقص کاری مشغول کننده و جزو مراسم مذهبی به شمار می رود. رمز زیبایی حرکت رقصندگان مانیپور در شوقی است که از طیب خاطر و طبع هنرمندانه سرچشمه می گیرد. این رقص که به طور طبیعی از الهامات مذهبی سرچشمه می گیرد، تقریباً در تمامی جشن های مانیپور، اعم از مذهبی و غیر از آن، اجرا می شود. این رقص را در واقع می توان رقص جوانان و طبیعت نیز نام نهاد. عشاق

نمود.

- رقص «کاتااک» از یادگاری های

دوران باشکوه مغول به شمار

می آید که در طول زمان تحولاتی

در آن راه یافته و با رقص های

محلی و روستایی آمیخته شده است

رقص هندی از امتزاج حرکت، آواز، موسیقی و ریتم به وجود می آید و درحقیقت نه تنها پیش از این، بلکه امروز هم جزو لاینفک زندگی هر فرد هندی است. مشخصات معنوی، اجتماعی، تاریخی و روحی خاصی در هنر رقص هندی مستتر است که نماینده فرهنگ کهنسال و مدنیت درخشان آن کشور به شمار می رود. با بیانی ساده تر، هنر رقص هند، مبین تاریخ و حالات اجتماعی مردم آن دیار است.

سابقاً رقص هندی هجر مستقل و ممتازی نبود، بلکه از آن به عنوان وسیله و رابطی برای ارتباط روحی خالق و مخلوق استفاده می شد و رقص اصولاً جزئی از آیین پرستش «ودیک» به شمار می رفت. انواع این گونه رقص ها، مخصوصاً پس از انجام مراسم قربانی برای خدایان، ازدواج، و در روزهای مقدس انجام می گرفت، تقریباً رقص در ادوار گذشته به صورت یک وظیفه مقدس درآمده بود. عده ای از رقصندگان نیز جسم و روح خود را وقف معابد کرده و انجام رقص های مذهبی را به عهد می گرفتند. این عده را «دواداسی» (Devadasis) می گفتند. رقص درواقع جنبه الوهیت و تقدس گرفته بود و شاید بتوان گفت که اوج اعتلای رقص های هندی نیز در همان دوران بوده است. پس از شروع استعمار و تضعیف بنیه اقتصادی ملت هند، انگیزه برای ادامه این هنر، اندک اندک رو به فراموشی نهاد، ولی هرگز محو و نابود نشد، زیرا با حالات و خصوصیات روحی و فکری این جامعه آمیخته شده بود.

در آن زمان، فلسفه استعماری کشورهای اروپایی، بر این بود تا شوق و شادی و پایکوبی که با مذهب هندوها آمیخته شده بود، از بین برود، ولی درواقع هرگز روح اصلی هندی از میان نرفت، چنان که امروز در جشن ها، اعیاد و مراسم گوناگون، حتی در سوگواری های هند، رقص نقش مهمی را ایفا می کند.

طبیعت، آثار و تحولات طبیعی از قبیل باد، باران، آفتاب، پاییز، هوای مه آلود زمستان و... را به رقص نشان می دهند. از آنجا که این نوع رقص هندی با طبیعت بستگی فراوان دارد، روستانشینان هندی به آن علاقه خاصی نشان می دهند.

رقص مانسپوری به هنگام ازدواج، تولد و جشن های محلی نیز، فراوان به اجرا درمی آید.

رقص های افسانه ای سرزمین هند

روی آثار هنری هندوستان، اعم از مجسمه ها، گچ بری ها و تزیینات معابد، نمونه های بسیاری از رقص خدایان هند می توان یافت. بنا به تصور مردم هند، «شیوا» اولین هنرمند فن رقص بوده و دارنده ی این هنر عالی و زیبا به شمار می رفته است. شیوا بود که گنجینه ی هنر خویش را در اختیار مردم نهاد. یکی از چهار نوع تصویری که از این مظهر اساطیری بر جای مانده، «نریتا مورتی» (Nritta Murty) نام دارد و او را در حال رقص نشان می دهد.

گویند وی یکصد و هشت نوع رقص داشته است و همچنین او را مظهر موسیقی و به وجود آورنده وزن (Tala) نیز می دانند.

یکی از نام های شیوا «ناتاراجا» (Nataraja) است که به معنی پادشاه هنرپیشگان و رقصان می باشد. رنگ او سفید بوده و به همین صورت نیز در نقاشی ها و مجسمه ها دیده می شود.

در ادبیات هند، از هفتاد نوع رقص شیوا نام برده شده است که عبارتند از:

- ۱- رقص شادی ۲- رقص شامگاه ۳- رقص کشتن دیوهای نادانی و پلیدی ۴- رقص کشتن دیوگری پورا ۵- رقص ویرانی.

این پنج رقص به تنهایی اجرا شده و دو رقص دیگر را با همراهی «اوما» (Uma) و یا گوری (Guri) اجرا کرده که به نام آنان نیز مشهور است.

یکی از رقص های زیبای شیوا به نام تاندوا (Tandava) معرف فعالیت های پنجگانه پروردگار است که عبارتند از: ۱- آفرینش و تکامل تدریجی ۲- نگاهداری عالم وجود ۳- گرفتاری و ویرانی ۴- تجسم ارواح ۵- رستگاری و بخشایش.

از دیگر رقص های افسانه ای سرزمین هند، می بایست به رقص کالی، کرشنا و گانشا... اشاره